

نکته های ناب... 1

قول دوم: عدم طهارت... 3

دلیل قول دوم: وجود عامل تنجیس و عدم دلیل بر طهارت... 3

قول سوم: تفصیل بین مسکریّت و عدم آن، 4

دلیل اول: وجود دلیل بر مطهریت انقلاب در مسکرات... 4

دلیل دوم: توقف نجاست عصیر بر مسکریّت... 4

نتیجه مورد پنجم: عدم مطهریت بواسطه انقلاب... 4

مورد ششم: الخل المنقلب من العصیر المغلی ثانیاً و ثالثاً و ... بعد طهارته بالتثلیث... 4

ادله و اشکالات... 5

مورد هفتم: الخل المنقلب من الخل الذی ذهب حموضته و صار خلا فاسداً و غلی قبل ذهاب ثلثیه، 5

ادله و اشکالات... 5

مورد هشتم: زوال حموضه الخل العنبی و صیورته مثل الماء، 6

مورد نهم: الدیس المنقلب من العصیر المغلی قبل ذهاب ثلثیه، 6

اشکال: عدم دلیل بر طهارت... 6

مورد دهم: القیح المنقلب من الدم، 7

دلیل مطهریت: ضرورت... 7

نکته های ناب

به مناسبت روز چهارشنبه و در آستانه ماه محرم الحرام و ایام تبلیغ و اظهار وفاداری به حضرت سید الشهداء ارواحنا فداه، جمله و مضمونی که در زیارت عاشورا تکرار شده است را توضیح مختصری عرض می کنیم.

اللهم ارزقنی شفاعه الحسین يوم الورود و ثبت لی قدم صدق عندک مع الحسین و اصحاب الحسین ...

قدم صدق به تناسب حکم و موضوع یعنی رفتار صادقانه با سید الشهداء در اهدافی که دنبال می کردند و جانفشانیها و تحمل مصائب در راستای آن نمودند که عبارت است از احیاء دین و ترویج شریعت و دذب از شریعت و امر به معروف و نهی از منکر. اینها مواردی است که در کلمات ایشان به عنوان اهداف قیامشان بیان شده است.

قدم صدق داشتن با آن بزرگوار این است که هم در خودمان اینها را پیاده و هم تبلیغ و ترویج آن را بکنیم و جانفشان در راه دین باشیم همان گونه که ایشان از مال و جان و فرزندان در راه خدای متعال گذاشتند.

یکی از مظاهر قدم صدق با سیدالشهداء تبلیغ ماه محرم است که بسیار مهم است و علاوه بر آثار دینی و اجتماعی و ... ، برای خود انسان _ که نامش در زمره وفاداران و اقامه کنندگان عزای ایشان قرار می گیرد _ دارای آثار فراوانی است.

در این باره روایات فراوانی وارد شده است و آشنا هستید اما من اکتفا می کنم به یک داستانی که دو بار از آیت الله وحید دام ظلّه العالی شنیدم؛ یک بار در درسشان و بار دوم سال گذشته که خدمتشان رسیدیم و من از ایشان تقاضا کردم و تکرار کردند.

ایشان فرمودند سید جعفر شیرازی نامی در نجف بودند که برادر سید مهدی شیرازی از مراجع و بزرگان کربلا بودند. ایشان در نجف بودند و از خواص مرحوم حضرت آیت الله سید عبدالهادی شیرازی.

مرحوم سید عبدالهادی شیرازی در مجلس ختم سید جعفر این داستان را برای حضرت آیت الله وحید تعریف می کنند.

آقای سیدعبدالهادی فرمودند: من در یک سالی شب اول محرم خواب دیدم که حضرت سیدالشهداء تشریف دارند و کسی هم در خدمت ایشان است که _من فراموش کردم آن شخص حضرت ابوالفضل علیه السلام است یا حضرت علی اکبر_ آن شخص لیستی در دست داشت و حضرت فرمودند اسم فلانی را از این لیست خط بزن و اسم سید جعفر شیرازی را ثبت کن.

آقای سید عبدالهادی فرمودند: من از خواب بیدار شدم و تا صبح در فکر بودم که دلیل این خواب چیست؟ فردا سید جعفر را دیدم و داستان خواب را تعریف کردم و جریان را سوال کردم.

سید جعفر فرمود: من روز آخر ذی الحجه مشرف به حرم شده بودم. وقتی از حرم بیرون آمدم به ذهنم رسید که ما تا کنون برای سیدالشهداء گریه کرده ایم اما کسی را نگریانده ایم. _چون در آن زمان در حوزه نجف منبر زیاد رسم نبوده است._ همان جا تصمیم گرفتم کتاب مقتلی تهیه کنم و از شب اول محرم برای اهل خانه ام روضه بخوانم. و این تصمیم را عملی کردم.

در اثر همین تصمیم و عملی کردن آن، در همان شب اول محرم مرحوم سید عبدالهادی خواب می بیند که نام سید جعفر در لیست خدمتگزاران به عزای سیدالشهداء ثبت می شود.

اگر چه خواب حجت نیست اما این خواب کسی مانند سید عبدالهادی است که شیخ استاد قدس سره راجع به ایشان می فرمود صاحب نفس زکیه بود.

بنابراین دوستانی که امکان این خدمت را دارند دریغ نورزند و صحیفه عمل خودشان را برای قیامتشان به این نور منور کنند. و واقعا شریعت را ترویج کنند و مطالبی که گفته می شود قرآن و حدیث باشد و البته از مسائل حکومت اسلام و ایران نباید غفلت کرد اما اصل بر بیان قرآن و حدیث باشد و این مطالب باید به صورت چاشنی در کنار مطالب قرار داده شود و مردم باید با این مسائل نیز آشنا شوند به خصوص در این زمان که هجوم های مختلف به این حکومت انجام می شود و همه ما وظیفه داریم اصل نظام و حکومت را علی رغم اشکالاتی که کمابیش در بعضی از جاها دیده می شود و همیشه هم بوده است را حفظ کنیم. و وظیفه قطعی همه ماست که از آن دفاع کنیم و در رفع اشکالات آن بکوشیم و هر چه بیشتر، آن را مرضی خدا و رسول قرار دهیم و در حقیقت می توان گفت یکی از مصادیق قدم صدق حفظ این نظام است تا بتوان در ظل آن مهما ممکن احکام اسلام را پیاده نمود. و یکی از احکام اسلام هم این است که هر کسی ولایت ندارد و ولایت برای اشخاص خاصی است. و این که باید ولی فقیه عادل بر سر کار باشد نیز از احکام اسلام است که باید بر آن تحفظ کرد و آن را حفظ نمود.

بنابراین در این رابطه ما وظیفه داریم و اگر کوتاهی کنیم فردای قیامت از ما سوال خواهند کرد.

بحث در مواردی بود که بوسیله انقلاب طاهر می شود. مورد پنجم عصیر عنبی بود که قبل از خمریت تبدیل به خل شود

قول اول مطهریت انقلاب بود که گذشت و نتیجه این شد که این قول محل اشکال است.

قول دوم: عدم طهارت

دلیل قول دوم: وجود عامل تنجیس و عدم دلیل بر طهارت

دلیل قول دوم بر اساس قول اول مشخص است. به این بیان که ادله مطهریت انقلاب در مورد خمر یا عصیری که تبدیل به خمر شده و بعد سرکه شده وارد شده اما در این مورد دلیلی برای مطهریت نداریم.

علاوه بر این که استصحاب بقاء نجاست بنابر یک نظر می تواند جاری شود. از آن هم غمض عین شود به قاعده طهارت نمی توان تمسک کرد چون عامل تنجیس یعنی ظرف وجود دارد و دلیلی بر عدم نجاست و منجسیت ظرف در این موارد نداریم بنابراین طبق قاعده باید قائل به عدم طهارت شویم.

قول سوم: تفصیل بین مسکریت و عدم آن

محقق همدانی فرموده اند هر جا عصیر بعد از غلیان مسکر شود اگر چه خمر نشده است در این صورت با خل شدن پاک می شود اما اگر عصیر نه تبدیل به خمر شود و نه مسکر در این صورت بواسطه انقلاب پاک نمی شود.

دلیل اول: وجود دلیل بر مطهریت انقلاب در مسکرات

برای مطهریت خمر و مسکر بواسطه انقلاب دلیل وجود دارد اما در مورد غیر آن این دلیل وجود ندارد. دلیل خمر روایات موجود است و دلیل مطهریت مسکر، **روایت کل مسکر خمر** بود که بواسطه عموم تنزیل یا بنابر استعمال خمر در لغت و عرف برای مطلق مسکر، میتوان استفاده طهارت بواسطه انقلاب را نمود.

دلیل دوم: توقف نجاست عصیر بر مسکریت

نجاست عصیر در زمانی است که مسکر شود. اگر عصیر غلیان پیدا کند اما مسکر نشود اساسا نجس نیست. بنابراین العصیر المغلی المسکر باید بواسطه انقلاب پاک شود و قبل از آن اگر چه ممکن است حرام باشد اما نجس بودنش معلوم نیست.

در واقع این دلیل موجب تفصیل در مسئله نیست بلکه مشخص کننده موضوع بحث است. آن چه از کلام محقق همدانی به دست می آید دلیل دوم است اما دلیل اول هم بنابر بعض مبانی قابل طرح است.

نتیجه مورد پنجم: عدم مطهریت بواسطه انقلاب

حق در مسئله قول دوم است و تحلیل در این مورد مطهر نیست یا حداقل محل اشکال و تردید است.

مورد ششم: الخل المنقلب من العصیر المغلی ثانیاً و ثالثاً و ... بعد

طهارته بالتثلیث

توضیح مسئله: در باب نجاسات یک مسئله ای مطرح است و آن این که عصیر عنبی که مغلی و سپس ثلثان و در نتیجه پاک شده است اگر دوباره جوشانده شود آیا نجس می شود یا نه؟

قول اول: بعضی قائل به نجاست هستند به دلیل این که اطلاقات ادله **العصیر العنبی** اذا غلا یحرم و ینجس شامل این موارد هم می شود. و عصیر ثلثان شده اگر چه حالتش تغییر کرده و اسم آن عوض شده است اما عصیر بر آن صدق می کند. مانند استاد حائری که می فرمایند اطلاقات شامل اینها می شود اگر چه ایشان می فرمایند این موارد بواسطه ضرورت بر طهارت خارج می شود.

قول دوم: مرحوم خویی و عده ای دیگر می فرمایند ظاهر ادله، صرف الوجود غلیان است. بنابراین با اولین غلیان تنجس حاصل شده که با ذهاب ثلثین از بین رفته است و غلیان های بعدی مشمول ادله نیست.

محل این بحث این جا نیست و مفصل است. اما بر فرض که در این صورت نجس شود آیا بواسطه تخلیل پاک می شود یا نه؟

از عبارت صاحب عروه استفاده می شود که این موارد را نجس و تخلیل را موجب طهارت آن می دانند.

ادله و اشکالات

همان ادله ای که در عصیر به آنها تمسک شد در این جا تمسک شده و قهرا همان اشکالات وجود دارد. و حق در مقام این است که بر فرض قائل به تنجس چنین عصیری شویم به طریق اولی اشکالاتی که در عصیر بود در این مورد نیز وجود دارد.

مورد هفتم: الخل المنقلب من الخل الذی ذهب حموضته و صار خلا فاسدا و غلی قبل ذهاب ثلثیه.

اگر سرکه در اثر فاسد شدن حموضتش از بین رفت را بجوشانند بنابر نظر صاحب عروه نجس می شود و قهرا دلیل ایشان این است که این سرکه به هر حال عصیر است و مشمول دلیل العصیر اذا غلی یحرم می شود و تنها در سرکه فاسد نشده دلیل داریم که بواسطه جوشاندن نجس نمی شود. اگر چه بعضی در جوشاندن سرکه هم اشکال کرده اند.

اگر چه جای این بحث اینجا نیست اما به طور خلاصه این قول دارای اشکالاتی است از جمله این که مرحوم خویی می فرمایند صرف الوجود غلیان قیلا محقق شده است و اگر

چه بپذیریم چنین سرکه ای عصیر است اما عصیر تنها با غلیان اول نجس می شود نه با غلیانهای بعدی. ثانیاً در عرف و لغت به سرکه فاسده عصیر گفته نمی شود.

اما بر فرض نجاست مرحوم صاحب عروه در مسئله نهم مطهر بعدی [1] قائل به مطهریت انقلاب در این مورد شده اند.

ادله و اشکالات

مبانی مسئله با توجه به مباحث مطرح شده مشخص است و همان اشکالات در اینجا نیز وارد می شود و دلیل بر مطهریت وجود ندارد زیرا عامل تنجیس وجود دارد و دلیلی بر عدم منجسیت نداریم. اشکالات تمسک به اطلاعات ادله خل نیز قبلاً بیان شده است.

مورد هشتم: زوال حموضه الخل العنبی و صیورته مثل الماء

صاحب عروه صریحاً این مورد را در مسئله نهم مطرح نموده اند:

مسألة إذا زالت حموضة الخل العنبی و صار مثل الماء لا بأس به إلا إذا غلی فإنه لا بد حينئذ من ذهاب ثلثیه أو انقلابه خلا ثانیاً. [2]

تفاوت این مورد با مورد هفتم این است که در قبلی اگر چه حموضت از بین می رود اما سرکه بودن آن باقی است در حالی که در این مورد مانند آب مضاف می شود و به طور کلی از سرکه بودن خارج می شود.

در این مورد نیز ایشان می فرمایند بواسطه جوشاندن نجس می شود زیرا به هر حال عصیر است و مشمول ادله آن می شود. بعض محشین فرموده اند اگر به حالت عصیری برگردد نجس می شود و بعض دیگر برگشت به عصیریت را تنها یک فرض می دانند که تحقق خارجی ندارد.

مرحوم خویی می فرمایند اگر چه به عصیریت نیز برگردد اما حکم آن برنمی گردد زیرا صرف الوجود غلیان موجب نجاست است.

بر فرض نجاست باز همان اشکالات موجود در مطهریت عصیر بواسطه انقلاب در این جا نیز وارد می شود.

مورد نهم: الدبس المنقلب من العصیر

المغلی قبل ذهاب ثلثیه

عصیر به مجرد غلیان نجس و حرام می شود و ذهاب ثلثین و خل شدن مطهر است. [3] اگر عصیری قبل از این که ثلثان بشود تبدیل به شیر شود آیا انقلاب به دبس مطهر است یا نه؟ صاحب عروه در بحث نجاست فرموده اند بعید نیست که قائل به مطهریت عصیر بواسطه انقلاب شویم. شهید ثانی هم در شرح لمعه فرموده اند پاک میشود.

اشکال: عدم دلیل بر طهارت

آیه و یا روایت یا حتی معقد اجماعی مبنی بر اینکه **الانقلاب مطهر** وجود ندارد که در نتیجه از آن استفاده عموم و اطلاق شود و قائل شویم به این که هر جا انقلاب رخ داد طهارت حاصل می شود. بلکه چون انقلابها همراه با عامل تنجیس هستند نیاز به دلیل خاص داریم. در مورد دبس اگر چه انقلاب رخ داده است اما دلیلی بر طهارت و عدم منجسیت طرف نداریم. بلکه دلیل بر نجاست و حرمت داریم که عبارتست از اطلاقات ادله العصیر العنبری یحرم حتی یذهب ثلثاه. بنابراین که حرمت ملازمه با نجاست داشته باشد نجس نیز هست. و غایت این حرمت و نجاست بنابر نص روایت ذهاب ثلثین است. اگر مطهریت انقلاب به سرکه به حسب ادله ثابت شود باعث می شود دست از حصر نسبت به آن برداریم اما نسبت به سایر موارد نمی توانیم تعدی کنیم.

مورد دهم: القیح المنقلب من الدم

این مورد در بعض کلمات ذکر شده است مانند محقق سبزواری در مذهب الاحکام و صاحب جواهر. [4]

محقق سبزواری فرموده اند یکی از موارد مطهریت انقلاب دم به قیح و چرک است.

مطهر بودن این مورد متوقف است بر اینکه دم داخلی را نجس بدانیم. و معمول فقها فرموده اند خون و بول و ... داخل بدن نجس نیست. پس سالبه به انتفاء موضوع می شود زیرا اصلاً نجاستی در کار نبوده است.

بعضی از فقها نادرا دم داخل بدن را احتیاط کرده اند اگر چه فتوای به نجاست نداده اند. پس این مورد مبنایی است.

دلیل مطهریت: ضرورت

اما بنابر نجاست خون داخل بدن، اگر تبدیل به چرک شود آیا پاک می شود یا نه؟

در این صورت مسلماً پاک است. و دلیل بر طهارت داریم. یکی از این ادله ضرورت است. هیچ کس قائل نیست به این که اگر دملی پاره شود و قیح سفیدی از آن خارج شود

که هیچ رگه خونی در آن نیست نجس است. و در روایات هم وارد نشده است که در این صورت باید بدن و لباس تطهیر شود.

بله اگر همراه خون باشد فرموده اند که خون معفو است در صورتی که دمل باشد و اگر غیر دمل باشد در صورتی که مازاد بر درهم باشد معفو نیست.

مراجعه به روایات دم و قیح در باب صلوة و طهارات جزم به انسان می دهد که قیح در صورتی که همراه خون نباشد پاک است.

اما حکم انقلاب دم خارجی واضح است. زیرا نجس بوده و اگر داخل چیزی باشد آن ظرف و شیء متنجس شده است و عامل تنجیس وجود دارد و دلیل بر طهارتش نداریم مگر اینکه استحاله رخ دهد یعنی خون و ظرفش استحاله به شیء دیگر شود که در این صورت پاک می شود.

وصلی الله علی محمد و آل محمد.

[1] مطهر بعدی ذهاب ثلثین است. اگر چه این مسائل مربوط به باب انقلاب است اما ایشان در آن موضع بیان نموده اند.

[2] العروة الوثقی (للسید الیزدی)، ج 1، ص: 140

[3] اگر خمر شود مسلماً انقلاب حتماً مطهر است و اگر نشود بنا بر یک قول مطهر است.

[4] و القیح مع تجرده عن الدم لا ریب فی طهارته للأصل و العمومات و السیرة و غیرها. جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ج 6، ص: 84